

هر دم از این باغ بری میرسد ، نوش دارو بعد از مرگ سهراب



## نترسید نترسید ما همه با هم هستیم

یک طنز تلخ

از مسعود فروزش راد

### سخنرانیهای فرمایشی رئیس پلیس

شما ای مردم آسوده بخوابید که ما بیدار بوده و از هر گونه آزادیهای فردی دفاع خواهیم کرد ، و به هیچ وجه نگران نبوده و هرگز ترس به خود راه ندهید ، بدانید همین پلیس که اکنون در کنار شما ایستاده همیشه حافظ منافع فردی و آزادیهای شما است ، ما هستیم ، ما می‌زنیم ، ما پدر آنان را در میاوریم ، شما لازم نیست ترسیده و دست به عمل بزنید، این تروریستهای ترسو و بی دین حق سؤ استفاده از آزادیهای فردی شما و ما را ندارند ، ما از این به بعد سیستم کنترل عمومی را بیشتر و محکم تر کرده و بدانید همه جا هستیم ، حتی در منزل شما ، سر سفره شما ، تلفن شما ، آدرس شما،

ایمیل‌های شما ، صندوق پستی شما ، خلاسه بدانید از این پس هر اتفاقی برای شما افتاد لازم نیست به ما زنگ

بزنید زیرا ما در همان لحظه با شما هستیم و خواهیم بود ، اصلا من و شما یکی هستیم بدانید ما همه با هم

هستیم!!!

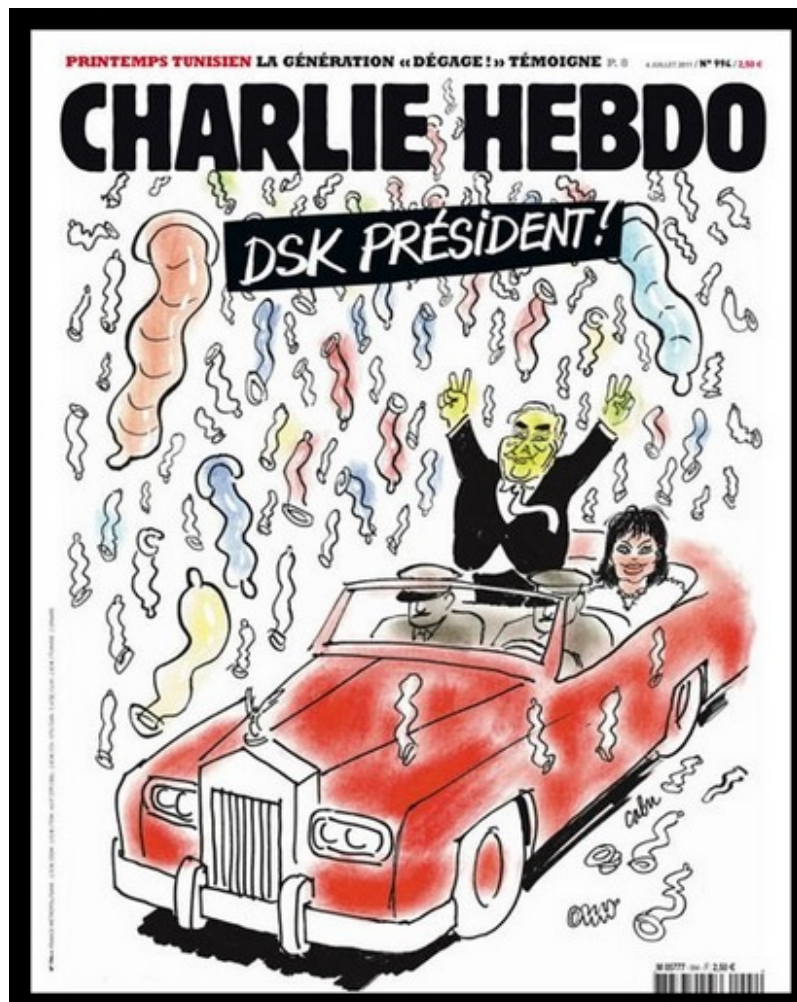
اصلا همین طور که اکنون شاهد هستید ، ما یعنی پلیس هلند و اروپا در زیر سایه شما و زیر چتر شما هستیم .این شما نیستید که باید بترسید بلکه ما هستیم که در مواقع مناسب فرار را بر قرار ترجیح داده و فلنگ را میبندیم ولی بدانید در مواقع لازم برگشته و حق شما را انطور که میخواهید در دست شما خواهیم گذاشت ، ما نخواهیم گذاشت کسی از آزادیهای فردی سؤ استفاده کند همانطور که تا کنون دیدید آنان که به شما بد و بیراه میگفتند حقشان را کف دستشان گذاریم و خوشبختانه دیگر زنده

نیستند. همین طور که مشاهده مینمایید پلیس همیشه بیدار بوده و تا کنون همه را آزاد گذاشته تا هر چه میخواهند بنویسند و ما هم کاری با آنان نداریم.

در این لحظه که رییس پلیس مشغول سخنرانی بود یکی از آنطرف داد زد ، **< آره اروای ننت >**، که بلافاصله و خوشبختانه به عنوان یکی از هواداران تروریست ها دست گیر شدو در بلند گو گفته شد که دیدید ما چه زود عمل کردیم؟

**و بهمین ترتیب سخنان در هم و برهم رئیس پلیس ادامه دشت** ، وی اظهار داشت ، می بینید که هم اکنون تمام بچه بازهای اروپایی آزادانه در کشور های آسیای جنوب شرقی مشغول بچه بازی هستند و ما به دموکراسی و آزادی این قبیل کارها احترام گذاشته و آنان را در بر گشت به کشور آزاد میگذاریم و کاری با آنها نداریم و به مطبوعات اجازه نمیدهیم نام آنانرا منتشر نمایند ، زیرا اغلب آنان بالای شصت سال هستند و خدای نکرده ممکن است دچار سکنه قلبی شوند و این برای دولت خرج هنگفتی دارد به علاوه از تخم بدبینی و نفرت هم جلوگیری مینماید . شما شاهد بودید که در فرانسه چطور رئیس بانک بین المللی، **دومینیک گاستون اندره اشتراوس-خان** که اکنون ۶۶ ساله است و در وقت تجاوز به کارکن جوان هتل ۶۲ سال

داشت در برابر چنین جرمی تبرئه و آزاد شد ، و آنگاه دیدید که هفته نامه چارلی هم آزاد بود کاریکتور این مرد بزرگ را که در ماشین لوکس و همراه با آن دختر جوان بود منتشر کند ، آیا از این آزادی قلم باز هم بیشتر میخواهید؟ در ان لحظه کاریکتور اشتراوس خان بر پرده ظاهر شده و مردم هورا کشیدند و زنده باد آزادی گفتند .



دومینیک گاستون اندره اشتراوس-خان

'DSK for President!' (2011)

by David Sessions

یا این که این **آقای سیلوی برلوس کونی** رئیس جمهور ایتالیا که اکنون ۷۹ سال از سنش میگذره و چندی پیش به خاطر رابطه جنسی با دختر آن کم سن و سال که هنوز بلوغ نشده اند محاکمه شده و برادران ما وی را تیرنه کردند . محمد بیچاره که فقط شصت سالش بوده که دختر بچه ۶ ساله را آنهم به طور مشروع و آنهم بزور به زنی پذیرفته بود .

از ما بیشتر از این چه انتظار دارید؟ **مگر همین آزادی نیست که ارث پدر ما بوده** و ما آنرا به شما روشنفکران هدیه کرده ایم ؟ از این بیشتر چه میخواهید؟ حال نگاه کنید این نا مسلمون ها رو ، به محض اینکه هفته نامه چارلی آزادانه کاریکاتور چند تن بچه باز را چاپ کرد چه سر و صدای به پا کردند ؟ و باز در این لحظه یک کاریکاتور دیگر به نمایش گذارده شد .



Charlie Hebdo Must Be Veiled!' (2007) by David Sessions

cartoons with a cover depicting a Jew, the pope, and an Islamic fundamentalist shouting, "Charlie Hebdo must be veiled!"

در این موقع ناگهان چند نفر با صدای بلند فریاد زدند **الله واکبر ، مرگ بر دشمنان اسلام** ، که آنان هم بلافاصله به عنوان هواداران تروریست ها دستگیر شده به مردم گفته شد این هم نتیجه اعمال کسانی که ضد آزادی بیان هستند . ما **امت پلیس همیشه در صحنه هستیم** و نخواهیم گذاشت که حق شما **امت ارویای عزیز** پا مال شود و غیره.... در آن لحظه یک عده مذهبی دیگر هم تا میخواستند سر و صدا کنند ، پلیس گفت شما دیگه **زر زر** نکنید و آنان هم بلافاصله از ترس خفه شدند .

پلیس ادامه میدهد :البته همانطور که میدانید این هفته نامه چارلی به همه بند میکرد مخصوصا به سیاستمداران مانند **سرگوزی ، لمین ، اوباما است ، میلک شک بخوانید ملکر یا میلکشر رئیس جمهور آلمان غیر نازی ، که خود قبلان کومونیست بوده و حالا بریده و جزو توابعین** شده است و باز هم و غیره... **زیرا تعداد نامها زیاد است** ، اکنون می بینید که با کمک این تروریست های اسلامی ، سران دولتهای ما از شر جفنگ گویی های این هفته نامه چارلی راحت شدند ، و این فقط ما بودیم که دو تن از برادران پلیس خود را که با شهامت پا را به فرار گذارده بودند از دست دادیم ، به این شایعات دشمنان ما هم گوش نکنید که میگویند **کار خود ما بوده است** ، یک عده از دشمنان آزادی بیان و قلم ، هستند که برادران ما را که در اینراه خون داده اند متهم به همکاری با تروریستها میکنند . البته این تروریستهای فلان فلان شده درک این را ندارند که بفهمند هر عملی که انجام میدهند دودش به چشم شما عزیزان میرود و فقط کارهای ما رونق بیشتری میابد و بر تعداد کارکنان پلیس و سازمانهای امنیت بیشتر شده و این ادارجات وسعت بیشتری پیدا کرده و ما هر روز مجبوریم یک عده اراذل و اوباش را استخدام کرده و به این وسیله مقداری از مسئله بیکاری دولت حل خواهد شد و حقوق ما هم بیشتر میشود، ملاحظه می کنید که ما با دادن دو شهید چگونه ثروتمند خواهیم شد، و شما ای مردم آزاده اروپا هر روز فقیر تر و بدبخت تر خواهید شد ، پس بیایید با ما همکاری کرده و هر چه زود تر با بستن مرزها و بیرون راندن این کله سیاه ها خود را از شر آنان خلاص کنیم ،

در این لحظه که رئیس پلیس که دائما با کف زدن های تک و توک تظاهر کنندگان تشویق شده و احساساتی میشد ، گفت ببینید این تروریستها چه قدر احمق و بی شعور هستند که با این عملیات کور باعث میشوند که این دولت برادر ما اسرائیل تا میبیند اوضاع بر وفق مراد است شروع به بمباران منطقه ای از خود ما که توسط همان اعراب تروریست اشغال شده ،

**یعنی نوار قزاق** میکند و هیچ کس از ما طرفداران آزادی بیان و دموکراسی با در نظر گرفتن نفع شخصی اعتراض نمیکند زیرا میدانند این حق برادران اسرائیلی ما است و ما باید از آن دفاع نمایم . در این لحظه یک کله سیاه داد زد جناب سرهنگ ،

**نوار غزه ، نه نوار قزاق** ، سرهنگ صدایش را کمی بلند تر کرده و گفت مردم می بینید ، **حالا دیگه این کله سیاه داره بما درس جغرافی هم میدهد** ، دوباره کله سیاه داد زد **بابا بگو درس دیکته و نه**

**جغرافی** ، پاسبانان که چنین دیدند فوری آن مرد را به جرم توهین به شخصیت جناب سرهنگ و آزادی بیان دستگیر کرده و بردند . سرهنگ هم گفت می بینید اینجا هم حق نداریم آنچه میخواهیم مگر به غلط بیان کنیم . ای مردم از این پس حواستان را جمع کرده و هر کجا کله سیاه دیدید به ما گزارش دهید که بیشتر بتوانیم آنان را کنترل کنیم ، اگر چه در پیاده رو ها که راه میروید اگر پشت سرا خود را نگاه کنید سیلی از آنان را می بینید که شما را تعقیب میکنند ، در این صورت دچار پارانوئا نشوید زیرا بعضی از آنان از خود ما هستند و مواجب بگیرن و نفوذی هستند .

ای برادران همین طور که میدانید و شاید هم اصلاً ندانید ، زیرا میدانم بسیاری از شما حوصله دیدن اخبار و خواندن روزی نامه و کتاب های سنگین را ندارید و چه بهتر که همانطور نادان بمانید ، این هفته نامه چارلی و یا بهتر بگویم گروهک چارلی همان طور که می بینید به وسیله شخصی به نام ابدو درست شده و این اسم مستعار همون **عبدولله** می باشد .

دوباره و این بار یک زن فرانسوی از میان جمعیت داد زد **بابا چرا چرند میگی ، عبدو به زبان فرانسه**

**یعنی هفتگی** . سرهنگ که در این لحظه از خجالت سرخ شده بود بر گشت **گفت خانم بمن چه مربوطه که**

**فرانسویها از لغات عربی استفاده میکنند ؟** زن فرانسوی که دید اوضاع پسه از دریچه فمینیستی وارد شده و

گفت آقا خجالت بکش **مگر نمی دانی ما زنها دیگر کلمه خانم را بکار نمیبریم** سرهنگ اینبار مجبور شد آزادی بیان را زیر پا گذاشته و به پاسبانها دستور داد این زن را از آنجا بیرون کنند و زن فرانسوی هم قر قر کنان رفت .

اینبار سرهنگ که رشته کلام از دستش خارج شده بود به خود گفت نگذاشتند بفهمیم چه میگویم و دوباره رشته کلام را بدست گرفته و چنین گفت ، ببینید چیزی که عوض داره گله نداره ، ببینید این کاریکاتوریست های چارلی چقدر آزادانه پشت سر این سیاستمداران ما حرافی کردند و آنان را با کشیدن انواع و اقسام کاریکاتو به مسخره کشیده و حتی دست آنان را رو کردند ؟ ببینید همین پاپ رهبر مسیحیان جهان را ، کوندوم به دست ، چقدر مسخره کردند؟

در این لحظه منیتور تصویر پاپ را نشان میدهد .



The Pope Goes Too Far' (2010)

by David Sessions

This cover, one of many mocking the Catholic Church, depicted Pope Benedict XVI holding a Durex condom aloft, declaring "This is my body!"—a line from the Christian eucharist that refers to Christ's crucifixion. The cover came after a series of confusing statements by the pope about the rare instances in which the church approves of condom use to prevent disease.

مردم می‌بینید چطور آنها پاپ را هم مسخره میکنند؟ همین طور میشه که این دولت ها و سیاستمداران برای امنیت آنان هم تلاش نمیکنند و ما آنان را به سادگی از دست دادیم ، چه بسا با نقشه و کلک و با تشویق آنان به وسیله نفوزیهای خودمان ، آنان تشویق شدند به کشیدن کاریکاتور حضرت محمد صل الله و عالم ، در این لحظه باز یک مشت حزب الله‌هی پشت

سر هم صلوات فرستادند که معلوم شد از سفارتی های ایران هستند ، سرهنگ که دید بدینوسیله تشویق شده به سخن خود ادامه داد ، ولی رشته سخن باز از دستش در رفته بود .

وی گفت این دولت های ما و سیاستمداران با این کلک توانستند یک مشت تروریست وحشی و احمق بی سواد را بیندازند به جان آنها که با یک تیر دو نشان بزنند ، یک اول از سر آنان خلاص شوند ، دو سیاست های ضد بشری خود را از این پس راحت تر اجرا نمایند . آخه مگه این کاریکاتوربستههای معصوم نمیدانستند چه بلایی به سر سلمان رشدی آمد و چطور بدینوسیله در هلند سر یکی از بهترین نقادان ما را که از نواده های وینسنت ونگوگ بود زیر آب کردند و چطور این آدم بیچاره توسط یک تروریست به شکل فجیح به قتل رسید ، مگه ما پلیس ها تونستیم برای وی کاری کنیم ، مگر دست ما است ؟

ما چرا باید به تئوری توطئه رجوع نماییم ؟ مگه کار از این ساده تر میشود ؟ بیایید پارانوایا را کنار گذاشته و فقط به این جریان فکر کنید ، وظیفه ما برادران پلیس این است که بدنبال اون نفوذی اصلی بگردیم ، ولی مواظب باشید اگر از خود ما بود دستش رو نشه که ضررش رو خودمون میبینیم.

ولی در اون لحظه یکی اومد روی پودیوم و در گوشی به سرهنگ یه چیزی گفت که سر هنگ ناگهان یک برق سه فاز از اونجاش پرید و به خود آمده و گفت ، ببینید برادران پلیس ، اصلا به ما چه در سیاست دخالت کنیم ، حمله به عراق و اشغال آن سر زمین های نفتی و کشته شدن یکمیلون نفر و بی خانمانی هزاران نفر و دزدی انواع و اقسام آثار تاریخی و فرهنگی و هنری به ما چه ربطی دارد ، مگر ما بودیم که به بهانه به وجود آوردن بهار عربی انواع و اقسام حملات را به لیبی ، تونس ، مصر و سوریه کردیم ؟ مگر ما طالبان و القاعده و داعش را ساختیم ، آیا این ما بودیم که سوریه را با خاک و خون یکی کردیم ، مگر ما باعث شدیم سیل پناهنده به کشور های اروپای سرازیر شود ؟ حالا سرنوشت ملیون ها پناهنده سوریه در ترکیه چه میشود ، در سراسر جهان یک مشت خونخوار دائما در حال کشتن انسانها هستند ، آفریقا ، آسیا ، و دیگر نقاط جهان که آنقدر زیاد است که از شمردن عاجزم.

سرهنگ که بعد از آن در گوشی فهمیده بود که از فردا عذر وی را خواهند خواست ، بدین وسیله خودرا به سیم آخرزده و هر چه میخواست میگفت که دو باره شخصی آمد در گوش وی یک چیز گفت که از ان پس بر گشت به حال اولیه خود ، گویا به وی قول داده بودند که وی را از کار بر کنار نکنند ، و ادامه داد ، اصلا بیایید این موضوعات را فراموش کرده و بپردازیم به مسئله اصلی خودمان ، ای ملت آزاده هلند و اروپا تا کنون دیده اید ما نام یک متهم هلندی را پس از دسگیری وی بزبان آریم و بگویم وی هلندی است؟ در حالیکه می‌بینید ما همچنان به عهد خود وفادار بوده و به محض اینکه یک کله سیاه دستگیر میشود نام و نشان و ملیت و آدرس وی و نشانی آبا اجدادش هم که شده در رادیو و تله ووزون پخش کرده و قبل از اینکه جرم وی ثابت شود عکس وی را هم منتشر می‌کنیم ، آخر در کجای این جهان چنین آزادی و دمکراسی را دیده و یا شنیده اید ؟

از شما مردم عزیز اروپای آزاده می‌خواهیم که همیشه مواظب همسایگان کله سیاه خود باشید و دائما با سر کردن و با رفتن درون زندگی آنان دائما به ما گزارش دهید زیرا به هیچیک از آنان نمیشود اعتماد کرد .تا اینکه هر چه زود تر دولتهای ما با بستن مرزها و دیگر تدابیر بخردانه، ما را از دست این خوار آزاد ساخته و کشور ما را از آنان پس گرفته و ما دو باره به آزادیهای خود برسیم تا بتوانیم بیشتر مشگلات آزادی بیان را حل کنیم ، به علاوه و به نظر من و بزرگان دیگر قانون اعدام دوباره به جای خود برگردد .

در این میان به محض اینکه جناب سرهنگ کلمه بزرگان را بکار برد یک نفر از عقب که معلوم نشد چه کسی است یک شیشکی بزرگ در کرد که من خنده ام گرفت ; سرهنگ که

خنده مرا دید بلا فاصله بمن مشکوک شده و سوال کرد که چرا میخندی ؟ من هم در جواب گفتم جناب سر هنگ اگر به قول شما آزادی بیان ممنوع است آیا خنده هم آزاد نیست ؟ سرهنگ که چنان دید غضب آلود به من گفت ، من کی گفتم آزادی بیان ممنوع است ؟ برو و از آن موی سپیدت خجالت بکش و دروغ به من نبند ، من هم در جواب گفتم اتفاقا موی سپید نه

تنها خجالت ندارد بلکه افتخار هم دارد و دو باره شروع کردم به خنده که با خنده من دیگران هم شروع کردند به قاه قاه خندیدن که ناگهان سرهنگ داد زد الهی روی تخت مرده شور خانه بخندید.

یک عده از دست راسی های وی هم از او حمایت کرده و گفتند ، جناب سرهنگ راست میگو ، امروز روز عزاداری برای شهیدان راه آزادی است ، شما چرا میخندید ؟

یک باره دیدم یک مشت آدم عجیب و قریب بالباس شخصی دور و ورمن را گرفته و تا آخر نرفتند.

ناگهان از میان جمعیت یک زن هلندی که من هم میشناختمش داد زد سرکار چرا اینقدر داد و فریاد میکنی و لیچار و پرت و پلا میگوی ؟ مگر نمیفهمی ما همه عزاداریم و حتی سکوت کرده و یک کلمه هم حرف نمیزنیم ؟ چرا به این بخون خفتگان

راه آزادی احترام نمیگذاری ؟ بابا ول کن و برو گم شو ، سرهنگ که هیچگاه انتظار چنین توهینی را نداشت و

مخصوصا دید جلوی پاسبون ها ابرویش خواهد رفت ، شروع کرد به داد و فریاد که من این زن را

میشناسم او رهبر گروهک آنارشست ها است و چندی پیش به جرم یخش الامیه بر علیه

ما و سیستم بگیر و ببند دولت ما، دستگیر شده و به شش ماه زندان محکوم شد ، که در

دادگاه به خاطر اینکه ندامت کرد حبس او را حبس تعلیقی اعلام کردیم و قرار شد اگر یک بار دیگر دست به پخش اطلاعیه و اعلامیه زند نه تنها تمام حبس خود را بکشد بلکه محکومیت جدید هم به آن اضافه شود ، این زن دائما مشغول کاشتن تخم نفاق و کینه نسبت به ما است ، در این لحظه تصویر وی که حتی جلوی دادگستری در حال تبلیغ بود، روی پرده پدیدار شد که ناگهان خود من که این تصویر را گرفته بودم شوکه شدم!!!آخه چطور آنها به آرشو کارهای من دسترسی پیدا کرده بودند که من خود نمیدانستم ؟ زیرا من تا آنزمان این تصویر را نه به کسی داده بودم و نه جایی پخش کرده بودم .



Photo:by Masoud Forouzes Rad

مردم شروع کردند برای این زن مبارز،!!! دست زدن و سوت و هورا کشیدن که سرهنگ

عصبانی شده و داد زد شما هم همه آنارشست و خرابکارید و بزودی به سزای اعمال خود میرسید ، در این لحظه مردمی که

همه ساکت بودند با هم داد زدند مرگ بر دیکتاتور زنده باد آزادی ، سرهنگ هم داد زد لیاقت شما همین زن

خرابکار است، همین ها بودند که دو عدد از برادران ما را در آمریکا بقتل رساندند و ما انتقام خود را از آنان میگیریم و آنان را

بسیاری اعمالشان خواهیم رساند ، و روی کرد به بقیه پاسبانها که درانجا حضور داشتند و گفت همگی با هم شعار دهیم ، **میکشم میکشم آنکه برادرم کشت** ، و همراه با سرهنگ و با تکرار همین شعار صحنه را ترک گفته و **روانی** خیابان ها شدند . مردم هم بعد از قر قر زیاد که این دیگر چه آدم جفنگی بود روانه منزل خود شدند .

دو - مردم و واقعیت

## تظاهرات اهالی آمستردام به خاطر آزادی بیان و قلم



همانطور که انتظار میرفت جمعیت زیادی از اهالی آمستردام از آن استقبال کردند ، تعدادی حدود هجده هزار نفر شرکت کردند که اکثر قریب به اتفاق آنان چنانکه دیده میشد از اهالی مترقی و روشنفکر با رنگ پوست های گوناگون بودند ، تقریباً میشد گفت اکثر آنان فقط برای دفاع از آزادی بیان آمده بودند ، تعداد زیادی هم ایرانی در آنجا حضور داشت ، تظاهرات بسیار آرام و سکوتی مرموز حکمروا بود ، کسی شعارنمیداد و اکثراً در یک دست قلم بطرف بالا و یا با کریکاتور های مختلف .

میشد گفت مردم همه از چنین حادثه ای دلگیر و نگران از دست دادن آزادیهای فردی خود که احتمالاً بعد از این حادثه و تصمیم زمامداران برای باز هم جلوگیری از آزادیهای فردی خواهد شد بودند؛ مردم هنوز ترس و وحشتی را که بعد از یازدهم سپتامبر و به وسیله همین زمامداران فعلی برقرار شد فراموش نکردند . نمیخواهند این باز هم وسیله ای باشد برای سوء استفاده دولتها .

برنامه ریزی سخنرانیها واقعا اقتضاح بود .

متأسفانه با سخنرانیهای نخست وزیر دست راستی هلند و شهردار آمستردام و بالاتر از همه سخنرانی رئیس پلیس آمستردام که بوی جلوگیری از آزادیهای فردی باز هم به مشامشان رسید ، تقریباً اکثر هنرمندان و نویسندگان خوب و مترقی هلند برای شرکت در سخنرانی به آنجا نیامدند و یا از آنان در خواست نشده بود و به همین دلیل این برنامه سخن رانی بیشتر اختصاص یافت به آنان که که از قبل نشان داده اند که بطور کلی ضد آزادی هستند .



مگر نه اینکه طبق آموزش افراد در ارتش و پلیس آنان حق ندارند در سیاست دخالت کنند و بیشتر گوش به فرمان و جزیی از قوه مجریه هستند، چطور شد که ناگهان در اینجا به میدان آمدند؟ خوب حالا جماعت آزادیخواه واقعی طبق برنامه ریزی دولت وقت و پلیس ، باید کیسه کش جنایتهای آنان شوند. واقعا مسخره است.

آخر مگر نه اینکه خود این حکومت دست راستیهای اروپا در چند ساله اخیر خود موجبات از بین رفتن آزادیهای فردی را فراهم کردند؟ واقعا جای سوال است که همین چند ماه پیش رهبر آنارشیست های هلند را که یک زن بود محکوم به زندان کردند ؟ فقط برای تکستی که بر علیه دولت و به خاطر دفاع از پناهندگان سیاسی نوشته بود ، این همه کنترل پیامها ، ایمیل ها، رفت و آمد ها برای چیست ، دولت آمریکا بعد از حادثه یازده سپتامبر علاوه بر حمله به کشورهای مختلف و دخالت در همه زندگی مردم جهان درخصوصی ترین روابط ، حتی خانوادگی، و نقض تمام آزادیهای فردی در جهان نشان داد به هیچ وجه خواهان آزادی فردی مردم سراسر جهان نیست ، اروپای بی غیرت هم دائما مانند یک نوکر بی جیره و موجب پشت سر وی ایستاده است دولت آمریکا با به اجرا گذاردن انگشت نگاری هنگام ورود به مرز خود چهارصد میلیون اروپایی را تحقیر و ریشخند می‌کند، و این در حالی است که ورود یک طبعه آمریکایی از هر نوع قلمی که باشد به طور کلی در این کشور ها آزاد است.

حال بماند تقریبا دو میلیارد بقیه ساکنین کره زمین که از مدت ها پیش دائما وبه وسیله قوانین ضد بشری آمریکا دارای مشکل هستند و کوچکترین آزادیهای آنان به وسیله خود آمریکا و عمال وی در مناطق مختلف زیر پا نهاده شده است .

## سه - سیاست

همه میدانیم که مجله هفتگی چارلی سالهاست مشغول فعالیت و به طنز نگاری در همه زمینه ها بوده است ، طنزهای این مجله

نسبب همه سیاستمداران ، مذهبیون چه مسیحی و چه یهود و چه اسلام، همه از نیش های آن در امان نبودند حتی پاپ و میتوان گفت یک نوع مجله طنز انتقادی بوده و همه جامعه را در بر میگرفته ، و حالا معلوم نیست چرا فقط مسلمانان اعتراض دارند ؟ آیا آنان تافته جدابافته هستند ؟ چرا آنان از پیشرفت در هر نوع زمینه ایی تنفر دارند در حالی که خود یکی از بزرگترین مصرف کنندگان وسائل جوامع مدرن هستند.

من نمیخواهم مانند بعضیها پارانوای تئوری توطئه را با خود حمل کنم که البته در زمانهای مختلفی رخ داده و آنهم برای همه ثابت شده است ، ولی میخواهم بدانم آیا دولت فرانسه در زمینه کنترل آنقدر ضعیف است که از حادثه ای که مدت هاست از وقوع احتمالی آن خبر دار است، چرا نتوانسته جلو گیری نماید ؟ خوب پر واضح است که برایش مهم نیست و نبوده که از چنین موسساتی که بارها بر علیه مقامات سیاسی اقتصادی و مذهبی طنز نویسی کرده و با کشیدن کاریکاتورهای مختلف آنان را به مسخره کشیده است ، مواظبت لازم را به عمل نیاورده و اجازه دهد دو نفر تروریست وحشی آنان را از پای در آورند .

پر واضح است که بعد از این ماجرا بسیاری از همین سیاسیونی که در روز یکشنبه جلوی صف برای آزادی بیان حنجره پاره میکنند ، از دست این کاریکتوریست ها راحت شده و در ته دل به آرزوی خود رسیدند، بزرگترین نفع آنان از این پس این است که کنترل بیشتری را بر مردم تحمیل خواهند کرد و هیچ کس هم از این پس جرعت نفس کشیدن ندارد ، حال یا از ترس تروریست ها و یا از ترس خود همین سیاست مداران.

البته ناگفته نماند که مذهبیون افراطی و رادیکال همیشه میگویند کمیت ما مهم نیست و به ما مربوط نیست دیگران در مورد ما چه فکر میکنند ؟ اگر همه جهان هم بر ضد ما باشند ما کار خود را می‌کنیم زیرا بهشت زیر پای ماست .

## چهار - مثال ساده

من خود بعد از انقلاب و آزادی از زندان شاه دو باره برگشتم سر کار خود ، در آنزمان من بازرس فنی بودم و در قسمت کنترل کیفی هواپیمای ملی ایران مشغول کار بودم ، در همان زمان که حجاب اجباری شد و به علت کمی بودجه کیفیت غذا در هین پرواز هم کم شده بود عده ای اعتراض کردند که ما با این وضعیت هیچ نوع رقابتی با سایر پرواز های خارجی نمیتوانیم داشته باشیم لذا در درجه اول حجاب اجباری مهمانداران باعث کم شدم مشتریهای ما خواهد شد .

در جواب، اداره حراست که در دست حزب الله بود جواب داد برای ما فرقی نمیکند که هواپیما پر از مسافر و یا خالی باشد ، حتی یک مسافر هم داشته باشیم کفایت ، برای ما فقط حفظ دستورات اسلام مهم است،

با این تعریف ببینید که چطور آنها باز هم دست از ترور انسانها هر قدر که کمتر هم شوند بر نمی‌دارند ، و برایشان تعداد فرق نمیکند حال چه از ما باشد و چه از خودشان ، همین روز شنبه بود که در نیجریه براحتی دویست نفر را به قتل رساندند.

موفق و پیروز باشید

مسعود فروش راد